

ارزیابی نقش و کارآیی رفاق (ایوان) از دیدگاه استفاده کنندگان: فضای نیمه باز در خانه‌های روستایی مازندران

مجید یوسف‌نیا پاشا*، ماریا برزگر**

1395/01/15

تاریخ دریافت مقاله:

1396/01/28

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

به واسطه زندگی آمیخته با طبیعت و شرایط محیط و اقلیم در مازندران، فضای نیمه باز به صورت چشمگیری فرم‌های متنوعی را در معماری خانه‌های روستایی گذشته این منطقه شکل داده و کارکردهای گوناگون عملکردی، زیبایی‌شناسی، اقلیمی و اجتماعی را بر عهده گرفته است. ولی به‌عنوان رکن مهمی از ارکان معماری بومی روستایی، در خانه‌های امروزی کمتر ظهور یافته، هم‌سنگ گذشته نقش ایفا نکرده و با سبک زندگی امروزی روستاییان، متناسب نشده است. "رفاق" خصوصاً واقع در جلوی خانه‌ها، نوع غالب این نوع فضا بوده که بدون استثنا در تمامی خانه‌های بومی روستایی و در تمامی مناطق این استان مشاهده شده، بیشترین نقش و جلوه را در این معماری به منظور خلق آسایش اقلیمی و رفتاری ساکنین بر عهده دارد. این تحقیق، بر این فضا تمرکز نموده و ضمن معرفی انواع، خصوصیات معماری و نقش‌های گوناگون آن، میزان پذیرش آن از طرف روستاییان را بر مبنای نظر این افراد بررسی کرده و به این پرسش پاسخ می‌دهد که چرا ساکنین روستایی در این استان به‌عنوان استفاده‌کننده در طرح خانه‌های امروزی خود کمتر از رفاق استفاده می‌کنند.

در این راستا، چهار روستا در استان مازندران به‌عنوان منطقه مورد مطالعه برگزیده شده و سپس چندین خانه ساخته شده به شیوه‌های بومی گذشته و نیز جدید که در حال استفاده می‌باشند، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه‌ها، مورد مشاهده قرار گرفته و عکس‌برداری شدند، نقشه آن‌ها برداشت، ترسیم و مستندسازی شد. پرسشنامه بین ساکنین این خانه‌ها توزیع و توسط آن با آنان نیز مصاحبه صورت گرفته تا آداب سکونت در رفاق، میزان علاقه‌مندی یا دلایل عدم تمایل به حضور این فضا در معماری مسکونی امروزی از دیدگاه خود روستاییان، استخراج شود. نکات مثبت این فضا را از نظر مردم می‌توان در قالب‌های کلان‌تر مانند اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دسته‌بندی کرد. غیر اقتصادی، عدم کارآیی و عدم راحتی نگهداری از رفاق، نقاط ضعفی هستند که روستاییان بدان دلایل از آن در خانه‌های جدید به‌ندرت استفاده می‌کنند. به‌طور کلی باوجود دغدغه‌های مختلف در مورد این فضا، غالب روستاییان نسبت به حضور آن در خانه احساس رضایت داشته و نیز به بهره‌برداری از آن در خانه‌های نوین خود تمایل دارند. با توسعه و ارتقای رفاق از طریق رفع دغدغه‌های روستاییان نسبت به آن، این فضا می‌تواند به‌عنوان رکن کارآ و هویت‌ساز، نقش چشمگیر دوباره یافته، خانه‌ها را زیباتر نموده و کمتر متکی به دستگاه‌های مکانیکی خصوصاً خنک‌کننده نماید.

واژگان کلیدی: رفاق، ایوان، خانه روستایی، آسایش اقلیمی، معماری بومی، مازندران.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، آموزشکده سما واحد ساری. mjmpasha@yahoo.com

** کارشناس ارشد معماری.

مقدمه

خانه‌های روستایی در آب و هوای معتدل مازندران به‌طور روزافزونی به سیستم‌های مکانیکی مدرن گرمایشی و سرمایشی به‌منظور فراهم نمودن آسایش حرارتی، وابسته می‌شوند. درحالی‌که خانه‌های بومی روستایی از این توانایی برخوردار بودند که خود را با شرایط اقلیم و محیط طبیعی سازگار کنند (Fathy, 1986; Oliver, 1997; Djalilian & Tahbaz, 2007). در این نوشته، خانه بومی روستایی به خانه‌هایی اطلاق می‌شود که توسط خود روستاییان با توجه به نیازهای زندگی آنان طراحی و با استفاده از دانش بومی و مصالح موجود در طبیعت پیرامون ساخته شده‌اند (Oliver, 1997; زرگر, 1378). خانه‌های روستایی که در این منطقه حدوداً تا قبل از انقلاب در ایران، با استفاده از چوب و گل ساخته شدند، خانه‌های بومی منطقه را شکل می‌دهند. این خانه‌ها با استفاده از راه‌حل‌های معماری نظیر یک لایه بودن (یک اتاق بودن در عمق)، کشیدگی شرقی-غربی، سقف شیب‌دار، فضاها نیمه‌باز و با بهره‌گیری از باد محیط توانسته‌اند تا شرایط حاد گرمایی و رطوبتی تابستانی در این منطقه را کاهش داده و تحمل‌پذیر نمایند (Djalilian & Tahbaz, 2007). کسمایی، 1382: یوسف‌نیاپاشا، 1385). بارندگی فراوان، رطوبت بالا و میزان تبخیر پایین، تابش آفتاب ملایم، اختلاف پایین دمای فصلی و روز و شب، زمستان نسبتاً سرد و تابستان گرم و مرطوب از ویژگی‌های مهم اقلیمی مازندران هستند (Kasmaei, 2010) که با دارا بودن جنگل‌های انبوه، دشت‌های برنج و کوه‌های سرسبز از زیبایی و صف‌ناپذیری برخوردار است. برخلاف خانه‌های سنتی، متأسفانه بیشتر خانه‌های جدید روستایی در مازندران به مانند دیگر خانه‌های روستایی در ایران و خانه‌های بومی در

دیگر کشورهای جهان سوم بدون توجه به راه‌حل‌های گذشته و بعضاً با توجه به شیوه‌هایی طراحی و ساخته می‌شوند که کاملاً ناسازگار با شرایط اقلیمی، محیطی، اجتماعی، فرهنگی و خصوصیات زیبایی‌شناسانه معماری منطقه است (سرتیپی‌پور، 1388: Rapoport, 2006; More, 1995; Cain et al, 1976). اندک تحقیقات انجام شده در مورد خانه‌های روستایی مازندران مانند آنچه که در مورد معماری سنتی ایران انجام شده‌اند، بیشتر متمرکز بر حکمت هنر، دسته‌بندی بناها و خانه‌ها، توصیفات رابطه بین اقلیم و معماری، تاریخ معماری و چگونگی ساخت هستند (Djalilian & Tahbaz, 2007); یوسف‌نیاپاشا، 1385; برزگر، 1387: معاریان، 1371; پیرنیا، 1383; کیانی، 1374; اردلان و بختیار، 1380; برومبِرژه، 1371). تحقیقات اندکی به پیشنهاد راهکارهایی به‌منظور استفاده از راه‌حل‌های گذشته در معماری امروز پرداخته‌اند (Foruzanmehr, 2015). تاکنون در هیچ تحقیقی نظرات روستاییان به‌عنوان استفاده‌کنندگان این خانه‌های بومی و همچنین نظرات آنان در مورد کارایی آن برای خانه‌سازی امروزی روستایی، جمع‌آوری و ارزیابی نشده‌اند. فرهیختگان معماری بر این باورند که خانه‌های روستایی گذشته کماکان درس‌هایی بسیار ارزشمند برای خانه‌های امروزی دارد که می‌تواند محیط مناسب و ماندگار برای استفاده‌کنندگان امروزی با توجه به سبک کنونی زندگی فراهم کند (Fathy, 1986; Oliver, 1987).

فضای نیمه‌باز، به‌عنوان یکی از عناصر اقلیمی در طرح خانه‌های روستایی بومی مازندران به‌طور چشمگیری به‌کار رفته است. رفاق یک نوع از این فضاها نیمه‌باز است که نقش بسیار مهم اقلیمی در معماری خانه‌های بومی این خطه داشته ولی به سرعت از معماری

به‌طور تاریخی نیز این فضا دارای اهمیت قابل توجه در معماری مازندران است. پروفیسور پوپ در کتاب خود (1366) همراه با بحث راجع به معماری ایرانی تصویری از خانه‌ای در جنگل‌های مازندران مربوط به دوران باستان را نشان می‌دهد. تصویر از خانه‌ای تک‌اتاقه و دولایه است که لایه جلویی آنرا فضای نال و ستون‌دار چوبی شکل داده است. زارعی (1379) معتقد است که یکی از نشانه‌های ابنیه بزرگ سلطنتی احداث ایوان‌ها و تالارهای ستون‌دار بوده و ابنیه سرزمین‌های شمال، سرمشق اصلی معماران و سازندگان آن‌ها بوده و احتمال می‌دهد که فکر ساخت ستون‌ها و سرستون‌های دوران هخامنشی از نوع ستون‌ها و سرستون‌ها در خانه‌های چوبی شمال غربی الهام گرفته شده باشد.

فضای نیمه‌باز در معماری روستایی مازندران شامل سه گونه، "رفاق"، "تالار" و "نفار" است (یوسف‌نیاپاشا، 1385). رفاق که از فراوانی بیشتری برخوردار است، موضوع مورد مطالعه در این نوشتار است. به فضای نیمه‌باز ستون‌دار در مناطق مرکزی ایران، "رواق" گفته می‌شود (Foruzanmehr, 2015) ولی در مازندران عموماً از کلمه رفاق برای نام این فضا استفاده می‌شود که البته از بابت معماری تشابهات بسیاری نیز با هم دارند. معنی رفاق در فرهنگ لغات دهخدا و معین، به ریسمانی که به پای شتر می‌بندند و همراه و رفیق معنی شده است که مناسبتی با مفهوم این فضا در مازندران ندارد. در لغت‌نامه مازندرانی نیز به "سکو و ایوان" معنی شده است (تبرستان، 1395). به‌دلیل استفاده فراگیر این نام توسط ساکنان بومی مازندران، این پژوهش نیز آنرا برگزیده است. این فضا غالباً به‌صورت لایه‌ای در جلوی خانه و گاهی در اطراف بنا قرار گرفته، حداقل یک وجه از آن

خانه‌های جدید در حال حذف می‌باشد. در راستای پاسخ به این پرسش که چرا ساکنین روستایی در این استان در طرح خانه‌های امروزی خود کمتر از رفاق استفاده می‌کنند، این تحقیق با مطالعه میدانی بر روی نمونه خانه‌های بومی و جدید، پرسش و مصاحبه از ساکنین روستایی، ضمن استخراج نقش معماری این فضا، سعی کرده تا با کشف نقاط مثبت و منفی این فضا از نظر روستائیان، راهکارهایی را به‌عنوان درآمد در جهت تقویت نقش آن در معماری خانه‌های جدید ارائه دهد. به‌صورت کلی این فضا کماکان از محبوبیت بالایی در بین روستائیان برخوردار است.

تعریف فضاهای نیمه باز در خانه‌های روستایی مازندران

به‌دلیل بارش فراوان در مازندران، فضای بدون سقف در آن معنایی ندارد. بنابراین با الزام اقلیمی، فضای نیمه‌باز در مازندران می‌تواند این‌گونه تعریف شود: فضای نیمه‌باز، فضایی است که حداقل یک وجه از وجوه شش‌گانه آن باز بوده با این شرط که آن وجه سقف یا کف نباشد. جداره باز این فضاها را در این منطقه به‌دلیل جنگل انبوه، با چوب و با سیستم نال (شناژ چوبی واقع در بالا و پایین ستون) و ستون می‌سازند، به این دلیل این فضاها را "نال و ستون‌دار" نیز می‌گویند (یوسف‌نیاپاشا، 1385). فضای نیمه‌باز تقریباً در تمامی مناطق ایران یافت شده (Foruzanmehr, 2015؛ معاریان، 1371) و از جمله اجزای مهم معماری در سرتاسر جهان در مکزیک یا اسپانیا (Moore, 1995; Velinga and Manzoore, Oliver, 2007)، در کشورهای خاورمیانه (Oliver, 2007)، آسیای جنوب شرقی و شرق دور در هند (1989)، در چین و در (Rehval & Jahanbegloo, 2010)، در چین و در تایلند به‌شمار می‌رود.

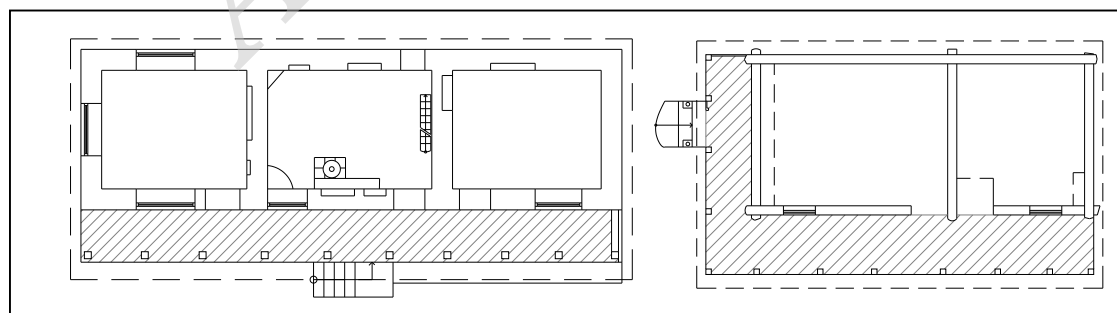
چوبی آن از 80 سانتی متر تا 150 سانتی متر متغیر است. ردیف منظم و ریتمیک اجزای چوبی آن شامل ستون‌ها در سمت وجوه باز آن به همراه سرستون‌ها، ادامه تیر چوبی سقف در زیر کنسول بام، نرده‌ها و دیگر اجزای چوبی، به رفاق و خانه زیبایی می‌بخشند. به دلیل کشیدگی آن در طول نما، سطح تماس زیادی با طبیعت باز دارد که از این طریق ارتباط مناسبی با طبیعت پیرامون داشته و باعث شفافیت و سبکی بصری بنا نیز می‌شود (یوسف‌نیاپاشا، 1385).

گونه‌بندی رفاق

با توجه به اینکه رفاق گونه‌ایی از فضای نیمه‌باز است، می‌تواند بر مبنای تعداد وجوهات باز، گونه‌بندی شود. بر این اساس رفاق در مازندران به 4 گونه، دسته‌بندی می‌شود.

رفاق با سه وجه باز (تصویر شماره 1): متصل به یک جبهه از خانه بوده و از سه طرف دیگر نال و ستون‌دار و باز است. در سراسر طول کشیده بنا قرار گرفته و اتاق‌های بنا فقط در یک طرف آن قرار می‌گیرند. تناسبات کشیده افقی داشته بدین ترتیب ارتباط زیادی با طبیعت ایجاد کرده و بیشترین تسلط را به محیط پیرامون دارد. شفافیت و سبکی زیادی به حجم بنا می‌بخشد. از بیرون، دید بدان زیاد بوده (دید از سه طرف به آن) به این ترتیب حریمیت را در بناهای مسکونی کاهش می‌دهد.

باز یا نال و ستون‌دار بوده که این وجه حتماً نمای بنا نیز می‌باشد، از این طریق نما و اساس سازماندهی خانه را شکل می‌دهد. رفاق علاوه بر فراوانی بیشتر نسبت به دیگر انواع فضاها، نیمه‌باز از تنوع فراوانی نیز برخوردار است و در مناطق مختلف مازندران به آن کپه، نال‌سر و درون نیز می‌گویند. رفاق‌ها بیشتر در دو جهت قبله (جنوب) و مرقد امام رضا (شرق) قرار گرفته‌اند که فراوانی آن به سمت قبله بیشتر است. اگر در طبقه بالا قرار گیرد به "بالا رفاق" و اگر در طبقه پایین باشد به "پایین رفاق" معروف است. اگر در جلوی بنا باشد "رفاق پیش‌سر" و اگر در پشت بنا باشد "پشت‌رفاق" نامیده می‌شود. چند پله از زمین بالاتر قرار گرفته و به حیاط در منازل مسکونی ارتباط مستقیم دارد. اگر در جبهه اصلی بنا قرار گرفته باشد، تمام درهای اتاق‌های اصلی بنا رو به آن باز می‌شود. به عبارتی نقش ارتباطی بین فضاها یا اتاق‌های خانه با همدیگر و با حیاط را رفاق بر عهده دارد. طول آن حداقل به اندازه طول یک اتاق 3-2/5 متر بوده که بسته به نوع خود و تعداد اتاق یا کشیدگی خانه طویل‌تر می‌شود. همواره عمق آن نسبت به طول کوچک‌تر است. عمق آن به‌طور متوسط حدود 1/10 متر و حداقل 60 سانتی متر است و البته تا 2/5 متر نیز وجود دارند. از بارزترین مشخصه این فضا در مازندران این است که ستون‌ها و دیگر اجزای شکل دهنده آن چوبی هستند. فاصله بین ردیف ستون‌های

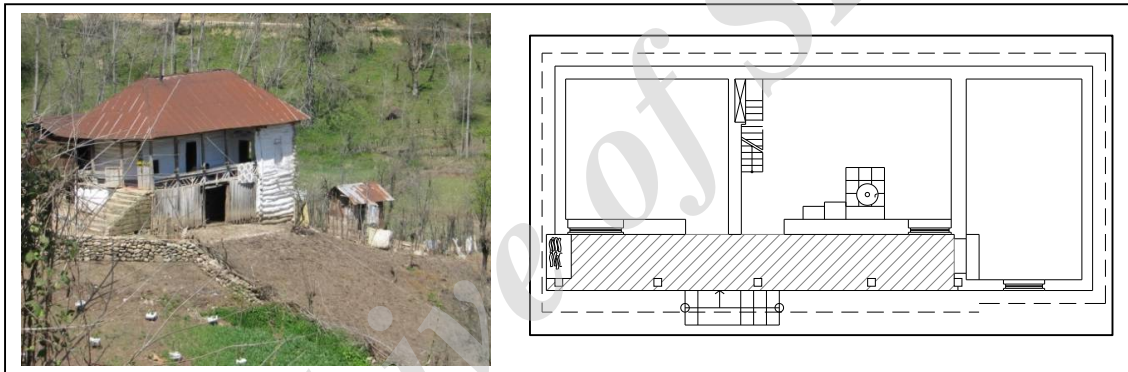


ت 1. دو نمونه خانه با رفاق در سه وجه باز (نگارندگان).

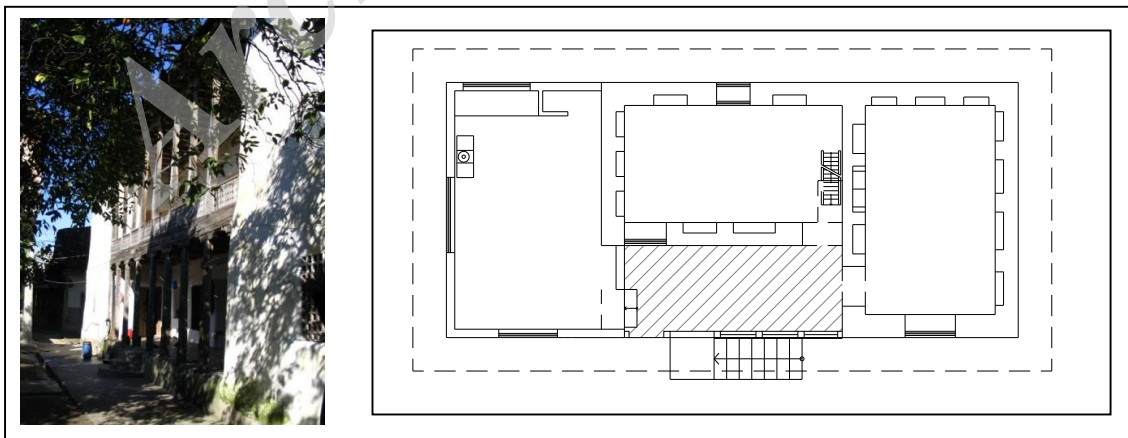
اجزای چوبی و میزان تزئین با هم تفاوت دارند، یعنی هرچه غنی‌تر، تزئینات بیشتر.

رفاق با یک وجه باز (تصویر شماره 3): از یک وجه باز و نال و ستون‌دار بوده و در سه طرف دیگر آن فضای بسته قرار می‌گیرد. تناسب غالب کشیده عمودی یا افقی ندارد و این تناسبت وابسته به تعداد ستون‌ها است. نسبت به موارد قبل شفافیت کمتری به بنا داده و ارتباط کمتری با محیط پیرامون دارد. دید به آن به دلیل این که از سه طرف بسته است، بسیار کمتر از موارد پیشین است. بنابراین از بابت محرمیت در خانه‌ها مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

رفاق با دو وجه باز (تصویر شماره 2): از دو جهت باز و نال و ستون‌دار بوده و از دو جهت دیگر به دیواره‌های بنا متصل است و به عبارتی اتاق‌های بنا در دو طرف آن قرار می‌گیرند. غالباً در جبهه غربی آن، فضای بسته قرار گرفته تا از ورود کج باران به داخل آن جلوگیری شود و اصولاً به همین دلیل این الگو از رفاق شکل گرفته است. عموماً هر دو گونه، کشیدگی افقی غربی-شرقی یا شمالی-جنوبی دارند. دید بدان کمتر از مورد قبل است و ارتباط مناسب ولی کمتر از مورد قبل با طبیعت و محیط پیرامون دارد. در خانه‌های اغنیا و فقرا هر دو گروه مشاهده می‌شود. لیکن در جزئیات

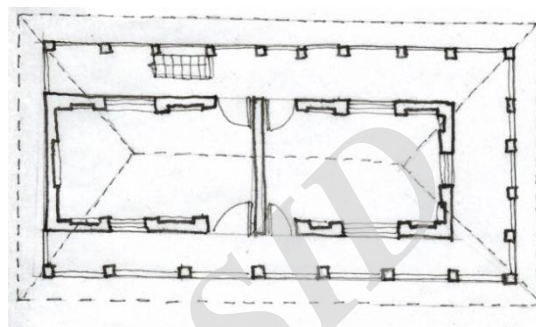


ت 2. دو نمونه از خانه با رفاق در دو وجه باز (نگارندگان).



ت 3. دو نمونه از خانه با رفاق در یک وجه باز (نگارندگان).

مدرو (تصویر شماره 4): گونه‌ای از رفاق بوده که به مانند غلام‌گردش، دور تا دور بنا یا سه طرف آن قرار گرفته و در این قرارگیری کاملاً بهم پیوسته هستند. ارتباط بسیار زیادی با طبیعت و محیط پیرامون داشته و گردش در اطراف بنا را امکان‌پذیر می‌کند.



ت 4. نمونه‌ای از مدرو در سه طرف خانه (نگارندگان).

غالباً برای بناهایی مناسب است که در اطراف خود مناظر زیبا یا جذابی دارند، در ارتفاع واقع شده‌اند یا مرتفع هستند. دید به آن زیاد بوده و محرمیت در آن بسیار کم است، لیکن اگر در طبقات فوقانی قرار گیرد محرمیت آن بیشتر است. به دلیل هزینه بالای ساخت، در منازل افراد متمول مشاهده شده و به‌طور قابل ملاحظه‌ای از فراوانی کمتری نسبت به دیگر گونه‌ها برخوردار است.

نقش رفاق در معماری خانه‌های بومی روستایی

مازندران

نقش معماری

به مانند پیش ورودی به فضاهای بسته اتاق‌ها رفتار می‌کند (Rapoport, 1969; Velinga & Oliver, 2007). همچنین فضایی است صرفاً برای عبور و مفصل ارتباطی بین تمامی اتاق‌های خانه. فضایی است که تمام درهای اصلی اتاق‌ها رو به آن و به داخل آن باز می‌شود. در این حالت بهتر است رو به قبله یا امام (رضاع) و در جلوی بنا باشد. اساس سازماندهی پلان و

اساس سازماندهی نما و حجم خانه را شکل می‌دهد. عمده و مرکز ثقل نماسازی در خانه‌های بومی سنتی به رفاق اختصاص دارد که عمده این نماسازی در به کارگیری منظم اجزای تشکیل‌دهنده چوبی این فضا به وجود می‌آید. نظم موجود در این اجزا از طریق تکرار منظم اجزای مختلف رفاق مانند ستون‌ها، نرده‌ها و سرستون‌های چوبی و از این طریق با ایجاد ریتم هماهنگ، سایه روشن، تناسب و ویژه و مدولاسیون، اصول نماسازی را ایجاد می‌کند (یوسف‌نیپاشا، 1385).

نقش عملکردی

فضایی است برای نشستن خانواده کنار همدیگر به منظور صرف غذا، چای و عصرانه و نیز فضایی است برای پذیرایی کردن از مهمانان. فضایی است برای استراحت و خواب در ایام گرما، تماشای مناظر اطراف و لذت بردن از محیط در فصل بهار و تابستان و آفتاب گرفتن در ایام سرما در فصل پاییز و زمستان. با توجه به پیوند تولید غذا و صنایع دستی با شکل و طرح خانه خصوصاً در روستاهای مازندران، رفاق فضایی است برای انجام بسیاری از فعالیت‌های تولیدی و خدماتی خانه مانند نخ‌ریسی و آشپزی. محلی برای پهن کردن لباس‌های شسته شده، آفتاب دادن خشک‌بار و بعضی محصولات سیفی مانند حبوبات، برنج، سیر و کدو.

در واقع فضاهای نیمه باز به نوعی گسترش عملکرد حیاط هستند (Foruzanmehr, 2015). فعالیت‌های فوق به صورت هم‌زمان یا مستقل از همدیگر در این فضا اتفاق افتاده که مشابهت زیادی با نحوه استفاده از این گونه فضا در دیگر نقاط جهان دارد (Velinga & Oliver, 2007).

نقش اقلیمی و محیطی

شرایط اقلیمی و محیط مازندران در عین داشتن لطافت و زیبایی، شرایط سختی را نیز برای دوام

مناسب برای فعالیت‌های فوق در فصل بهار، پاییز و زمستان است. همچنین دافع رطوبت از مصالح جداره‌های فضای بسته به دلیل جریان هوا در داخل این فضا بوده و مانعی برای نفوذ باران به این جداره‌ها است.

بنابراین از بابت اقلیمی کارآیی بالایی داشته و شرایط نسبتاً مناسبی را برای ساکنین فراهم کرده به طوری که در فصول مختلف و در بیشتر ماه‌های سال معمولاً از اردیبهشت تا پایان آبان ماه از آن استفاده می‌کنند.

نقش اجتماعی

وجود رفاق با توجه به نوع، تعداد، ابعاد و اندازه، کیفیت و دقت در ساخت، نوع چوب مصرفی، می‌تواند نشانه فقر یا ثروت صاحب خانه باشد (یوسف‌نیایشا، 1385). محلی است برای برقراری روابط اجتماعی، دور هم‌نشینی خانواده و پذیرایی از مهمان. در همین فضا همسایگان با هم به گفتگو می‌نشینند. اگر روی کوچه یا رو به سوی کوچه باشد، ساکنین خانه و همسایگان، ارتباطات بیشتری داشته، باعث تقویت روابط رسمی و غیر رسمی اجتماعی روستاییان است (Shove, 2003). بنابراین فضای کوچه از طریق نظارت چشم‌های مختلف بر آن از این فضا، کنترل گشته و امن‌تر می‌شود (Jacobs, 1961). با توجه به فعالیت‌های مختلفی که در کوچه اتفاق می‌افتد و رابطه قوی کوچه با خانه‌ها، کوچه فضای جذابی برای نشستن دور هم، قدم زدن و دیگر روابط اجتماعی است (Gehl, 2010). بدین ترتیب با زیر نظر داشتن ورود غریبه‌ها به همسایگی، امنیت افزایش یافته و فرزندان هنگام بازی در کوچه و همسایگی زیر نظر و هدایت عاقلان جامعه قرار می‌گیرند (تصویر شماره 5).

ساختمان ایجاد کرده است. در مازندران، به منظور بهره‌گرفتن از مزایای محیط و رها شدن از مزاحمت‌های آن در طراحی خانه می‌بایست به موارد زیر توجه ویژه شود: رطوبت بالای زمین و هوا، شرجی بودن هوا در تابستان و احساس خفقان حاصل از آن، تعرق زیاد، بارندگی فراوان، عدم ثبات و پایداری وضعیت هوا، وفور حشرات و پشه‌ها و حیوانات موزی، باد مناسب خنک و مطبوع از سمت کوه و دریا، باد نامناسب و رطوبت‌زا از سمت شمال غرب، کج باران، سرمای نسبی هوا در زمستان، وجود جنگل انبوه و درختان فراوان با چوب مقاوم، وجود و وفور دشت‌ها و زمین‌ها با حاصل‌خیزی زیاد و ارزش بالای زمین برای کشاورزی و باغداری، وجود و وفور مناظر زیبا و چشم‌نواز طبیعی، لطافت و خنکی هوا در فصل بهار و پاییز و بالاخره آفتاب مطبوع بهار و پاییز (کسمایی، 1382: یوسف‌نیایشا، 1385).

فضاهای نیمه‌باز به صورت عام و رفاق به صورت خاص با توجه به وجوه باز و نال و ستون‌دار خود مزایایی را در مسکن مازندران در بر دارد: عامل ورود باد مناسب و ایجاد کوران در داخل فضا است که دافع رطوبت و بوی نم از داخل فضا می‌شود. همچنین با وزیدن کوران باد به بدن انسان، احساس خنکی و آسایش به وجود می‌آورد. از طرفی وزش باد و حرکت هوا، مانع پرواز پشه‌ها و آزار انسان از جانب آن‌ها می‌شود. به همین دلیل این فضا نه تنها در مازندران بلکه در سراسر جهان، شرایط آسایش و جذابی را برای استراحت، جمع‌شدن کنار هم، غذا خوردن و خوابیدن در فصل گرم فراهم می‌کند (Rapoport, 1969; Manzoor, 1989). از طرفی دیگر با جذب آفتاب مطبوع جنوب و شرق فضایی

ساخته می‌شدند، از این زمان رفته‌رفته کنار گذاشته شده و ابتدا توسط متخصصان ادارات دولتی و اکنون توسط متخصصین تحصیل کرده دانشگاهی طراحی شده و با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های جدید و مصالحی وارداتی از شهر ساخته می‌شوند. هر چند در ابتدا، الگوی ساخت خانه‌های جدید اندکی نزدیک به الگوی بومی سنتی خانه‌ها بوده است، ولی اکنون خانه‌های کوچک آپارتمانی و در طبقات زیاد در بسیاری از روستاها تحت عنوان "آپارتمان یک خوابه یا دوخوابه" رواج یافته که یکی از مهم‌ترین فضاهایی که از آن حذف شده، الگوی رفاق سنتی است. در طرح این آپارتمان‌ها یا خانه‌های مدرن فضای نیمه‌بازی به نام "تراس" یا "بالکن" به‌منظور خشک کردن لباس و یا نگهداری بعضی مواد غذایی گنجانده می‌شود که کاملاً با الگوی سنتی رفاق تفاوت داشته و نقش‌های مختلف رفاق را محقق نمی‌کند. ادامه نوشتار حاضر سعی در استخراج نگاه مردم روستایی به رفاق و یافتن دیدگاه آنان به‌عنوان استفاده‌کنندگان این فضا در مورد کارآیی گنجاندن و استفاده از رفاق با هویت بومی آن در خانه‌های جدید و مدرن به‌عنوان هدف اصلی این پژوهش دارد.

روش تحقیق

انجام تحقیق وابسته به دریافت و تحلیل نگاه استفاده‌کنندگان به‌عنوان هدف اصلی و شناخت کامل خصوصیات رفاق به‌عنوان هدف ثانویه بوده است. بنابراین تحقیق با ساختار مبتنی بر مطالعه میدانی و کتاب‌خانه‌ای به ثمر رسیده و به‌صورت توصیفی-تحلیلی ارائه شده است. همراه با مطالعه نوشته‌های متعدد در مورد تاریخچه و دیگر خصوصیات رفاق، مطالعه میدانی به‌صورت جامعی محقق شد. بدین منظور دو شهرستان از شهرستان‌های مهم واقع در بخش مرکزی مازندران که روستاهای زیادی در اطراف آن‌ها



ت 5. دو تصویر از کارکرد اجتماعی رفاق و رابطه قوی آن با کوچه و حیاط (نگارندگان).

تغییر الگوی رفاق و خانه روستایی در مازندران

بعد از وقوع انقلاب و در نتیجه سیاست جهادی دولت انقلابی در جهت سازندگی هر چه سریع‌تر در روستاها و گسترش عمران و آبادی آنان، شیوه ساختمان‌سازی در روستاهای مازندران دستخوش تغییراتی فاحش شد. در نتیجه، الگوی خانه‌ها از سنتی به الگوی "جدید" یا "مدرن" تحول یافت. الگوهای مدرن نیز در نتیجه پدیده "مدرنیزاسیون (Modernisation)" یا "غرب‌گرایی (Westernisation)" (Rapoport, 2006) پیشتر در کشورهای جهان سوم و بالتبع در شهرهای ایران و مازندران رواج یافته بود. خانه‌ها که بر مبنای دانش بومی، طراحی و با استفاده از تکنولوژی و مصالح بومی

بعد از انقلاب ساخته و بهره‌برداری شده‌اند و تنها دو مورد از آن‌ها و به عبارتی حدود 15٪ دارای رفاق، مشابه خانه‌های بومی_سستی هستند. خانه‌های جدید از این بابت انتخاب شدند تا مطالعه مقایسه‌ای بین الگوی خانه‌های جدید و قدیم صورت گیرد. تمامی ساکنین این خانه‌ها به‌عنوان استفاده‌کننده و در مجموع 48 نفر طی یک پرسشنامه در مورد رفاق مورد پرسش قرار گرفتند به‌صورتی که پاسخ‌ها توسط مصاحبه‌گر در پرسشنامه ثبت شده است، بنابراین تمام پرسش‌ها دارای جواب شدند. ساکنین خانه‌های جدیدی که حتی دارای رفاق نبوده‌اند نیز در مورد رفاق مورد پرسش قرار گرفته‌اند، از این جهت که همگی آن‌ها تجربه زندگی در خانه‌ای که دارای رفاق بوده را داشته‌اند یا یکی از نزدیکان، آشنایان و دوستان آنان در چنین خانه‌ای زندگی می‌کنند. بنابراین نظرات آن‌ها توانست اطلاعات مهمی در مورد نکات مثبت و منفی رفاق را در برداشته باشد. از طرفی دیگر این افراد به‌صورت بالقوه استفاده‌کنندگان از رفاق به شکل جدید خواهند بود اگر قرار باشد که رفاق با سبک زندگی جدید و شیوه خانه‌سازی جدید پیوند خورده و آمیخته شود. تمامی خانه‌های برداشت شده با نرم‌افزار اتوکد ترسیم، دسته‌بندی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند تا نقش و جایگاه معماری رفاق در الگوی خانه‌های بومی دریافت شود. همچنین تمامی اطلاعات کمی و کیفی جمع‌آوری شده با کمک نرم‌افزار Excel تحلیل شده که نتایج به‌صورت جدول‌هایی ظهور یافتند. تحلیل این نتایج، یافته‌های اصلی تحقیق را شکل دادند.

خصوصیات پرسش‌شوندگان

بیشتر مصاحبه‌شوندگان (60٪) ساکن روستاهای جنگلی و 40٪ بقیه ساکن روستاهای کوهپایه‌ای هستند. نمونه جمعیت مصاحبه‌شونده به نسبت تقریباً برابری

واقع شده‌اند به‌صورت آگاهانه به‌عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب شدند. ساری یکی از این دو شهرستان است که مرکز استان مازندران بوده، کشاورزی برنج و تمدن حاصل از آن که سرمنشا تحولات عظیم اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و شهرنشینی در مازندران بوده نیز از این شهرستان شروع شده است (کولاییان، 1385). بابل دیگر شهرستان است که دومین شهر مهم در مازندران و از بابت جمعیتی بعد از ساری پرجمعیت‌ترین شهرستان در مازندران بوده (مرکز آمار ایران، 1393) و به نوعی مرکز تجاری استان است. دو روستا واقع در هر شهرستان ("دیوا" و "پریجا" از توابع بابل و "ورکی" و "اوسا" از توابع ساری) مجموعاً چهار روستا به صورت آگاهانه انتخاب شده‌اند. روستاهایی که بین 200 تا 500 خانوار جمعیت دارند، دارای شالیزار و امامزاده هستند و حداقل 15 کیلومتر از شهر فاصله دارند. دارای تاریخ کهن بوده و در عین حال، خانه‌های نوساخت، جدید و مدرن نیز در آن‌ها قابل مشاهده است و از جایگاه اجتماعی و فرهنگی شاخص‌تری نسبت به دیگر روستاها برخوردارند. این معیارها قبل از تحقیق میدانی با توجه به اهداف تحقیق تعریف شدند، که متعاقب آن لیست کل روستاها واقع در این دو شهرستان اخذ شده (مرکز آمار ایران، 1393) و در نتیجه چندین مرحله حذفی بر طبق معیارهای تعریف شده، چهار روستای فوق‌الذکر انتخاب شدند. دو نمونه از آن‌ها در داخل جنگل و دو نمونه دیگر در کوهپایه یا مرز جنگل و جلگه واقع شده‌اند که البته از جهت اقلیمی تفاوت چشمگیری با هم ندارند. مجموعاً 44 خانه انتخاب، برداشت و مورد مطالعه قرار گرفتند. از این بین، 30 خانه از نوع بومی_سستی بوده که همگی قبل از انقلاب ساخته شده‌اند و بدون استثنا دارای رفاق هستند. مابقی جزء خانه‌های جدید به‌شمار رفته که همه آن‌ها

شامل 25 زن و 23 مرد بوده است به طوری که اکثر آنها متأهل (87/5٪) بوده‌اند، تنها یک نفر مجرد، یک نفر زن مطلقه و 3 نفر هم بیوه همسر مرده بوده‌اند. پرسش‌شوندگان از گروه‌های سنی نوجوان، جوان، میانسال و مسن انتخاب شدند. بیشتر پرسش‌شوندگان (35/4٪) از گروه سنی 35-54 بوده و بعد از آن گروه سنی 55-74 با 27/1٪ بیشترین میزان را داشته است، همچنین از هیچ فرد زیر 15 سال پرسش نشده است، بدین معنی که اکثر پاسخ‌دهندگان از میانسالان بوده و یکی از والدین هستند (جدول شماره 1). با توجه به فرهنگ غالب در این روستاها، این گروه سنی، تصمیم‌گیرندگان اصلی در روند ساخت و طراحی خانه هستند. بنابراین نظرات آنان اعتبار بیشتری به نتایج تحقیق می‌بخشد.

گروه سنی	تعداد	درصد
15-24	1	2/1
25-34	9	18/8
35-54	17	35/4
55-74	13	27/1
بالای 75	8	16/7
جمع	48	100

ج 1. مشخصات گروه‌های سنی پرسش‌شوندگان (یافته‌های پژوهش).

66٪ نمونه آماری که بالاترین میزان است، صاحبخانه (مرد یا زن خانه) بوده و تنها 5٪ مستاجر و 29٪ نیز از فرزندان صاحبخانه بوده‌اند. بنابراین 95٪ خانه‌های انتخاب شده در زمان انجام تحقیق توسط خود صاحبخانه در حال استفاده و سکونت بودند. بیشتر این خانه‌ها (47/4٪) با سوزاندن نفت در داخل بخاری‌های نفتی گرم می‌شوند و در رتبه بعدی 31/6٪ از آنان نیز با بخاری‌های هیزومی و با سوزاندن چوب گرم می‌شوند که بیشتر آن‌ها خانه‌های قدیم سنتی هستند. 21٪ بقیه که

دارای شوفاژ هستند نیز با سوزاندن گازوییل گرم می‌شوند که تقریباً تمامی آن‌ها، خانه‌های جدید ساخت هستند. این بدین معنی است که تمامی این خانه‌ها، چه قدیمی و چه جدید و مدرن تنها از سوخت‌های فسیلی برای گرمایش خانه استفاده می‌کنند. از طرف دیگر به منظور سرمایش به طور غالب از وسایل برقی مانند پنکه زمینی و سقفی و نیز کولر گازی پنجره‌ای در اغلب خانه‌های جدید ساخت استفاده می‌کنند. نتیجه این‌که توجه به کاهش مصرف انرژی و در نتیجه سوخت‌های فسیلی در این منطقه ضروری به نظر می‌رسد و رفاق از این بابت می‌تواند صاحب نقش باشد.

بیشتر پاسخ‌دهندگان (58٪) که اکثر آن‌ها نیز بالای 35 سال بوده‌اند، دارای سواد از مدرسه، دانشگاه، نهضت سوادآموزی و یا حداقل قرآن سواد بوده‌اند. بیشترین میزان به دیپلم‌ها اختصاص داشته و تنها 6.3٪ تحصیلات دانشگاهی داشته که در زمان مصاحبه دارای مدرک کارشناسی بوده‌اند.

بیشتر پرسش‌شونده‌ها (79٪) به صورت دایمی در روستاهای نمونه ساکن بوده که 74٪ از آن‌ها اصالتاً از همان روستا هستند و 24٪ بقیه مهاجر و خوش‌نشین. این ترکیب جمعیتی مصاحبه‌شوندگان به نتایج تحقیق اعتبار بیشتری می‌بخشد. 21٪ از پاسخ‌دهندگان به صورت موقت در روستا ساکن بوده‌اند. این افراد که ساکن شهر هستند، تنها در ایام تعطیلات آخر هفته‌ها و تابستان‌ها بدان‌جا نقل مکان می‌کنند که از بین آن‌ها تنها یک مورد اصالتاً از روستای مورد نظر نبوده است.

یافته‌های تحقیق و بحث پیرامون آن‌ها

تمامی 30 نمونه خانه‌های بومی سنتی دارای رفاق بوده و طبق گفته ساکنین، در طی فصول بهار، تابستان و پاییز استفاده می‌شوند. این یافته نتایج تحقیق دیگران در مورد وجود رفاق در تمامی خانه‌های سنتی روستایی در

مازندران و کارکرد آن در فصول مختلف را ثابت می‌کند (Djalilian, S. & Tahbaz, M., 2007). یوسف‌نیاپاشا، 1385). 15٪ از نمونه خانه‌های جدید یا به عبارتی 2 نمونه جدید دارای رفاق بوده که بیشتر آن‌ها مانند الگوی سنتی استفاده می‌شوند. همچنین بیشتر خانه‌های جدید بدون رفاق نیز مربوط به خانه‌های بسیار جدید و یا آپارتمان‌های فعلی است.

میزان موافقت روستاییان با طرح رفاق در خانه به منظور کشف این‌که آیا روستاییان به حضور رفاق در خانه‌های خود علاقه‌ای دارند یا نه، پرسش‌شوندگان می‌توانستند در مقابل هر جمله هدفمند، تنها یکی از پنج گزینه ارزشی شامل "کاملاً مخالف"، "مخالف"، "ممتنع"، "موافق"، "کاملاً موافق" و "بی‌نظر"، را بپذیرند. از آنجا که بسیاری از روستاییان از سواد کاملی برخوردار نبوده و نیز با این‌گونه پرسشنامه‌ها آشنایی و قرابتی ندارند و به‌منظور دریافت جواب‌های بیشتر، سوالات توسط پرسش‌کننده خوانده و پاسخ علامت‌گذاری شد. یکی از این پرسش‌ها که بنیان این نوشته بر آن است از پرسش‌شوندگان خواسته است که جمله "خانه بایستی رفاق، خصوصاً رفاق پیش‌سر داشته باشد" را ارزش‌گذاری کنند.

درصد	تعداد	
58/3	28	کاملاً موافق
37/5	18	موافق
2/1	1	بی‌نظر
2/1	1	نمی‌دانم
100/0	48	جمع

جد 2. پاسخ به سوال "خانه بایستی رفاق خصوصاً رفاق پیش‌سر داشته باشد" (یافته‌های پژوهش).

جمع	نمی‌دانم	بی‌نظر	موافق	کاملاً موافق	نام روستا
16	1	0	4	11	دیوا
12	0	0	9	3	پریجا
14	0	0	3	11	ورکی
6	0	1	2	3	اوسا
48	1	1	18	28	جمع

جد 3. الگوی پاسخ به سوال "خانه بایستی رفاق، خصوصاً رفاق پیش‌سر داشته باشد"، در چهار روستای نمونه (یافته‌های پژوهش).

مزایای رفاق از نظر روستاییان

در ادامه از تمام پرسش‌شوندگان به‌صورت "سوال باز" پرسیده شد که هر مزایا و معایب رفاق که به‌نظر آنان می‌رسد را بیان کنند. خلاصه این نظرات در جدول شماره 4 به‌صورت تعداد و درصد برای تمامی نمونه‌ها و به‌طور جداگانه برای نمونه‌های سنتی و جدید بیان شده است.

مهم‌ترین نقطه قوت رفاق که توسط ساکنین چه در خانه‌های سنتی و چه در خانه‌های جدید بیان شده است،

میزان موافقت روستاییان با طرح رفاق در خانه

جدول شماره 2، خلاصه چگونگی پاسخ به گزینه‌ها را به نمایش می‌گذارد. با توجه به آن، 58/3٪ گزینه کاملاً موافق و 37/5٪ نیز گزینه موافق را برگزیدند بدین معنی که اکثریت قاطع پاسخ‌دهندگان (95/8٪) که ساکنین هر دو خانه قدیم و جدید را در بر می‌گیرد، با حضور و استفاده از این فضای نیمه‌باز موافق هستند. همچنین به‌طور معناداری هیچ پاسخ‌دهنده‌ای گزینه مخالف یا کاملاً مخالف را انتخاب نکرده و تنها 2/1٪ گزینه نمی‌دانم و همین میزان نیز گزینه بی‌نظر را ترجیح دادند. بدین معنی که هیچ‌گونه مخالفتی از طرف

"دل‌باز بودن" این فضا است (34/4٪). بدین معنی که با توجه به آب و هوای دلچسب مازندران خصوصاً در بهار و پاییز ساکنین می‌توانند به این فضا کوچ کرده و از هوای آزاد، تازه و مطبوع بیرون در این فصول لذت ببرند (جدول شماره 4). این نکته توسط یزدی‌ها نیز از مهم‌ترین مزایای فضای نیمه‌باز درخانه‌های سنتی یزد بیان شده است (Foruzanmehr, 2015).

"...ببین، ما اینجا نشستیم و چقدر هم اینجا با صفا است. این طور نیست؟... (مصاحبه پژوهندگان با یکی از ساکنین در روستای اوسا).

نقطه قوت دوم رفاق از نظر ساکنین معطوف به زیبایی خانه است. "زیباتر کردن خانه" با مجموع نظر 31 درصد قابلیت است که فرم سنتی رفاق داراست. تناسبات کشیده افقی و ردیف منظم و ریتمیک ستون‌ها، نرده‌ها، سرستون‌ها و تیرهای چوبی سقف از نظر ساکنین باعث زیباتر شدن رفاق و با توجه به موقعیت آن در طرح خانه، موجب زیباتر شدن شکلی خانه بوده و یکی از مهم‌ترین ارکان زیبایی‌بخشی به هیات خانه است. به نظر با ورود مصالح و تکنولوژی‌های جدید در خانه‌سازی، فرم سنتی رفاق کاملاً تغییر کرده و از طرح خانه نیز حذف شده‌اند که این نوع خانه‌ها به نظر روستاییان زیبا نیز نیستند (جدول شماره 4).

"... بدون رفاق، خانه بی‌دم است.. (مصاحبه پژوهندگان با یکی از ساکنین روستای ورکی).

سومین نظر مثبت نسبت به رفاق "فضای بهتر در تابستان نسبت به دیگر اتاق‌های خانه" با 11/4 درصد نظرات است. مازندران در تابستان دارای هوای گرم و شرجی بالا بوده و تعرق در این فصل بالا است. یکی از بهترین روش‌ها برای خنک‌شدن و پایین‌آوردن تعریق، نشستن در سایه و وزش مستقیم باد به بدن است (رازجویان، 1379). فضای نیمه‌باز رفاق با ایجاد سایه

فراوان و به آغوش‌گرفتن نسیم طبیعی از طریق شکل، جهت‌گیری و موقعیت خود، شرایط مناسبی را برای ساکنین فراهم می‌کند تا ساکنین با لمیدن در سایه‌سار این فضا از نسیم روز و شب لذت ببرند (جدول شماره 4).

نقاط قوت قابل توجه بعدی که با اندکی فاصله نسبت به هم و البته با فاصله زیاد نسبت به نکات قبلی بیان شده‌اند، "تماشای زیبایی‌های طبیعت" (6/8٪) و "فضای زندگی و دور هم نشستن و استراحت" (5/7٪) هستند (جدول شماره 4). این دو رابطه بسیار نزدیکی با هم دارند. طبیعت بسیار سرسبز، زیبا و دلربای مازندران همراه با آواز پرندگان، آسمان آبی و خصوصاً طبیعت بکر روستاها در داخل و کنار جنگل، هر فردی را در فصل لطیف بهار، تابستان سرسبز و پاییز رنگارنگ مسحور خود کرده و به بیرون می‌کشاند. رفاق بهترین فضای خانه برای لذت بردن از زیبایی‌های طبیعت پیرامون و در عین حال نشستن اعضای خانواده و دوستان دورهم، گپ‌زدن، چای خوردن، استراحت و خوابیدن است. در فصول یاد شده، این فضا به مثابه اتاق‌نشیمن عمل می‌کند هر چند عرض باریک آن در بعضی خانه‌ها چندان این عملکرد را پشتیبانی نمی‌کند. دسترسی آسان به حیاط (3/4٪) و فضایی برای آفتاب‌گرفتن (2/2٪) از دیگر مزایای رفاق توسط روستاییان عنوان شده است (جدول شماره 4). با توجه به مسقف بودن رفاق و کاهش زاویه تابش خورشید در زمستان این فضا در این فصل، ساکنین را از آفتاب فراوانی بهره‌مند می‌کند. ضمناً با توجه به پیش‌آمدگی بام از گزند باران در امان است. در تابستان نیز با بالا رفتن ارتفاع خورشید، سایه مطبوعی را به خانه بخشیده که آن‌را فضایی دلپذیر برای نشستن ساخته است. با توجه به همه این خصوصیات برای خشک کردن سبزی، خشکبار، تخم انار، برنج و لباس نیز استفاده می‌شود.

هزینه بالای ساخت رفاق با توجه به اشغال بالای زمین که از قیمت بالایی در مازندران برخوردار است و با توجه به قیمت بالای مصالح جدید، ساخت رفاق هزینه زیادی را می‌طلبد که از نظر روستاییان دومین نقطه ضعف این فضا برای ساخت و ساز امروز است با 26/3٪ نظرات (جدول شماره 5).

استفاده محدود علی‌رغم بزرگی این فضا و هزینه بالای آن به‌عنوان سومین نقطه ضعف این فضا دانسته شده است (با 21٪ نظرات). از نظر آنان با توجه به اینکه رفاق فضایی نیمه‌باز و شفاف بوده و از اطراف توسط همسایگان، غریبه‌ها و غیرمحرمان نیز قابل دید است و با توجه به نوع پوشش امروزی خصوصاً خانم‌های خانه که در نتیجه سبک جدید زندگی از پوشش کمتری نسبت به روش سنتی برخوردارند، از حریمت لازم برخوردار نبوده و خیلی قابل استفاده نیست (جدول شماره 5).

	کل نمونه‌ها		نمونه سنتی بومی		نمونه جدید	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بزرگی و اشغال مساحت زیاد	36	31/5	20	27/3	16	31/3
هزینه زیاد با توجه به مساحت و کارایی آن	30	26/3	18	24/6	12	23/5
استفاده محدود با توجه به حریمت پایین آن	24	21	12	16/4	14	27/4
نگهداری و تمیز نگه داشتن دشوار آن	15	13/1	12	16/14	3	5/8
خطرناک برای بچه‌ها	6	5.2	2	2/7	4	7/8
دیگر موارد	3	2.6	1		02	3/9
جمع	114	100	73	100	51	100

ج 5. معایب رفاق از نظر روستاییان (یافته‌های پژوهش).

دشواری تمیز نگه داشتن رفاق عیب دیگر آن است. (با 13/1٪ نظرات). غالباً باد همراه خود برگ درختان، گلبرگ‌ها و خاک محیط را به داخل این فضا هدایت کرده و با توجه به وفور پشه در منطقه، شب‌ها نیز پشه زیادی در آن جمع می‌شوند که به دلیل نیمه باز بودن این فضا نمی‌توان آن‌ها را کنترل نمود (جدول شماره 5). خطرناک بودن رفاق برای بچه‌ها و احتمال سقوط آنان

	کل نمونه‌ها		نمونه سنتی بومی		نمونه جدید	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
دلباز همراه با لذت بردن از هوای آزاد	77	34.4	51	35	26	33.3
زیباتر کردن نمای خانه	69	31	57	38.5	13	16.6
تماشای زیبایی‌های طبیعت	15	6.8	5	3.5	10	13.3
فضای زندگی و دورهم نشستن و استراحت	13	5.7	5	3.5	8	10
فضایی برای آفتاب گرفتن در زمستان	5	2.2	5	3.5	0	0
دسترسی آسان به حیاط	8	3.4	8	5.2	0	0
فضای بهتر در تابستان نسبت به دیگر اتاق‌ها	25	11.4	10	7	16	20
دیگر موارد	10	4.5	5	3.5	5	6.6
جمع	222	100	146	100	78	100

ج 4. نقاط قوت رفاق از نظر روستاییان (یافته‌های پژوهش).

الگوی بیان تمامی مزایای فوق هم توسط ساکنین خانه‌های قدیم و هم به‌طور معناداری توسط ساکنین خانه‌های جدید یکسان بوده است. قابل توجه است که تمامی این نکات مثبت را می‌توان در قالب‌های کلان‌تر مانند اقتصاد، اجتماعی و فرهنگی دسته‌بندی کرد. همین‌طور می‌توان از بابت معماری نیز آن‌ها را در دسته‌هایی به نام زیبایی، عملکرد، کارایی و تنظیم شرایط محیطی گنجانند.

معایب رفاق از نظر روستاییان

جدول شماره 5، معایب مهم رفاق از نظر روستاییان

ساکن در خانه‌های سنتی و مدرن را نمایش می‌دهد.

مهم‌ترین عیب در میان 114 معایب برشمرده از رفاق، به "بزرگی و مساحت زیاد" این فضا اشاره دارد (31/5٪). به‌طور سنتی رفاق غالباً در سراسر طول خانه‌های روستایی قرار می‌گیرد که با توجه به طول آن و عرض خود رفاق و خانه، گاهی چیزی حدود 30 درصد مساحت خانه را شامل می‌شود. این مسئله با توجه به محدودیت امروزی زمین در مازندران و مساحت خانه‌ها و از طرفی دیگر علاقه‌مندی روستاییان به داشتن فضای بسته با مساحت بیشتر باعث کم‌رنگ شدن و کنار گذاشتن آن در خانه‌های جدید شده است.

نقطه ضعفی است که توسط 5/2٪ از پرسش‌شوندگان مطرح شده است ولی در پاسخ به این پرسش که "آیا تاکنون نمونه‌ای از سقوط کودک را دیده‌اند، به یاد دارند و یا شنیده‌اند"، همگی پاسخ منفی داده‌اند.

نقاط ضعف فوق را می‌توان در قالب‌های کلان شامل "غیراقتصادی"، "عدم کارایی"، و "عدم راحتی نگهداری" دسته‌بندی نمود. براساس یافته‌های این تحقیق می‌توان دلایل اصلی کنار گذاشته شدن و کاهش استفاده از فضای نیمه‌باز در معماری مازندران را همانند معماری ایران، مجموعه‌ای از دلایل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژی دانست (Rezvan, 2010; Foruzanmehr, 2015). به نظر می‌رسد محدودیت‌های رفاق که در بالا عنوان شده‌اند، فاصله‌ای بین رفاق‌های سنتی و خواسته‌های امروزی و سبک جدید زندگی ایجاد نموده است به طوری که با وجود نظر قاطع مثبت و علاقه اکثر روستاییان به آن، از این فضا در معماری خانه‌های جدید و مدرن خود به طور غالب بهره نمی‌برند. مشکل اصلی نبود الگوی جدید رفاق، متناسب با شرایط زندگی و تکنولوژیکی کنونی است. با توجه به اینکه سبک و شیوه زندگی افراد را نمی‌شود تغییر داد، تنها راه حل، بازگشت دوباره این فضا به معماری روستایی مازندران البته با قالب و هیئت جدید از طریق برداشتن و یا تعدیل موانع، اصلاح در شکل رفاق‌ها و یا حتی تغییر ماهیت آن با استفاده از شیوه طراحی فضایی و معماری جدید و تکنولوژی‌های پیشرفته امروزی است.

نتیجه

رفاق به عنوان یکی از انواع فضای نیمه‌باز یا نال و ستون‌دار، از تنوع و رونق چشمگیری در معماری خانه‌های بومی روستایی مازندران برخوردار بوده و در حقیقت یکی از ارکان هویت‌ساز معماری مازندران است. نوشته حاضر ضمن استخراج خصوصیات رفاق و معرفی

انواع گونه‌های رایج آن در معماری بومی روستایی منطقه، با مطالعه میدانی به کشف نگاه و نظر مردم روستایی در مورد این فضا می‌پردازد که هدف اصلی تحقیق بوده است. نتیجه نشان می‌دهد که این فضا کماکان یکی از فضاهای مورد علاقه روستاییان در خانه است.

نقاط قوت و ضعف رفاق از دید روستاییان و نقش‌های متعدد این فضا برشمرده شده است. جنبه‌های قوت شامل کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. همین‌طور از بابت معماری نیز دارای نقاط قوت متعددی از بابت زیبایی، عملکردی، کارایی و تنظیم شرایط محیطی است. نقاط قوت متعدد رفاق به طور کامل دلیل علاقه‌مندی روستاییان به این فضا را توجیه می‌کند به طوری که در تمامی خانه‌های بومی روستایی حضور پررنگی دارد.

"غیر اقتصادی"، "عدم کارایی"، و "عدم راحتی نگهداری از رفاق"، نقاط ضعفی هستند که روستاییان به آن دلایل از آن در خانه‌های جدید به ندرت استفاده می‌کنند. علاوه بر آن‌ها، عدم تطابق الگوی سنتی رفاق با سبک زندگی و خواسته‌های فضایی کنونی روستاییان، کم‌رنگ شدن این فضا در معماری خانه‌های روستایی مازندران را تشدید کرده است. تمامی این نقاط قوت و مهم‌تر از آن ضعف‌ها، در رونق یا عدم رونق رفاق تأثیر مهم داشته که هر کدام از آن‌ها می‌تواند سرفصل تحقیق مستقلی باشد.

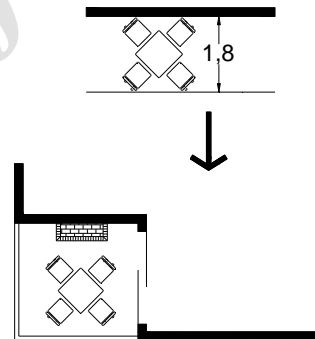
به منظور ایجاد رونق در گنجاندن رفاق در طرح خانه‌های جدید روستایی در مازندران تمامی خصوصیات آن می‌بایست تقویت یافته و خصوصاً نکات برجسته منفی در جهت هماهنگی آن با سبک زندگی امروز روستاییان مرتفع گردند. در راستای این هدف پیشنهادهایی به طور مقدماتی ارائه می‌شوند. یکی از نکات ضعف مهم رفاق عدم کارایی آن علی‌رغم اشغال مساحت بالا است. شکل و تناسبات رفاق یکی از

خانه‌های یک یا دو طبقه نیز بهتر است به‌عنوان فضای رابط، دسترسی از حیاط به خانه و فضای مرکزی آن را محقق نماید. ضمن اینکه رفاق بایستی رو به جنوب (ضلع آفتاب گیر) بنا شده تا به‌عنوان فضای نیمه‌باز و متصل به فضای اصلی خانه آسایش و امنیت اقلیمی بالاتری را برای استفاده‌کنندگان و خانه ایجاد کند.

یکی دیگر از جنبه‌های منفی، محرمیت پایین در داخل رفاق بیان شده است. بدین منظور نصب پارتنش‌های موقت به‌عنوان یکی از راه‌حل‌ها، پیشنهاد شده است (Foruzanmehr, 2015) که در اقلیم مازندران از کارآیی لازم برخوردار نیست. پارتنش‌های مورد نظر باعث تبدیل فضای نیمه‌باز رفاق به یک فضای بسته می‌شود که افزایش ظرفیت حرارتی رفاق را در پی دارد. این مسئله با هدف اصلی شکل‌گیری رفاق که فضایی به‌منظور به حداقل رساندن ظرفیت حرارتی بوده و برای اقلیم مازندران نیز خصوصاً در فصل گرما بسیار مناسب است (Kasmaei, 2010) در تعارض است. بدین منظور در مازندران می‌توان از رفاق نوع سوم که دارای محرمیت بالاتری نسبت به بقیه گونه‌ها است استفاده نمود و یا از درخت کاری و کاشت درخت‌های خزان پذیر در حیاط و روبروی رفاق استفاده نمود. این درختان در تابستان مانع دید از اطراف شده، دید بسیار خوبی از داخل به بیرون خلق کرده و ایجاد سایه می‌کنند. از طرفی دیگر در زمستان نیز مانعی برای ورود تابش لذت بخش آفتاب نبوده و نیز کیفیت محیط زیست را ارتقا می‌دهند.

نوشته حاضر با هدف دستیابی به آگاهی از نظرات مردم روستایی مازندران نسبت به رفاق و چگونگی ارتباط آن با زندگی امروز آنان تهیه شد و پیشنهادهای ارائه شده در جهت ارتقای نقش این فضای نیمه‌باز بسیار مهم در خانه‌های بومی امروزی روستایی مازندران است. نقص این مباحث به نوبه خود، نیاز بیشتر در

دلایل اصلی این معضل است که به‌دلیل دارا بودن کشیدگی زیاد و عرض باریک چندان قابل استفاده نیست. به‌عنوان پیشنهاد و با توجه به شکل و تناسبات رفاق‌های متداول در خانه‌های جدید روستایی و نیز ویلاهای روستایی و شهری، بهتر است رفاق عمیق‌تر شده و طول آن کاهش یابد. اگر پهنای رفاق حدود 180 سانتی‌متر، مانند الگوی شماره 167 معرفی شده توسط الکساندر (1977) در نظر گرفته شود و همچنین به فضاهایی با تناسب مربع نزدیک شود، مساحت کمتری را اشغال کرده و از کارآیی بیشتری نیز برخوردار خواهد شد. این ابعاد امکان استفاده‌های جدید از رفاق مانند استفاده از میز و صندلی برای نشستن، قراردادن وسایل کباب‌پزی و انجام فعالیت‌هایی نظیر آن را تسهیل می‌کند (تصویر شماره 6).



ت 6. پیشنهاد عمق حداقل 180 سانتی‌متر برای رفاق و یک نمونه الگوی جدید پیشنهادی برای رفاق با دو وجه نال و ستون‌دار (باز) به نحوی که امکان قراردادن میز، صندلی و وسایل کباب‌پزی را میسر می‌کند.

رفاق، نقطه کانونی سازمان فضایی خانه‌های بومی و رابط تمامی اتاق‌ها و فضاهای خانه به‌همدیگر بوده که در خانه‌های جدید این نقش را هال مرکزی یا نشیمن برعهده دارد.

به‌منظور فعال و کارآ نمودن بیشتر رفاق، بهتر است این فضا رابطه مستقیم با هال مرکزی داشته و در

انجام تحقیقات میدانی و آزمایشگاهی در جهت تطبیق رفاق با سبک زندگی جدید و رونق مجدد در خانه‌های روستایی جدید را تأکید و برجسته می‌کند.

فهرست منابع

- اردلان، نادر؛ بختیار، لاله. (1380). حس وحدت، ترجمه: حمید شاهرخ، نشر خاک، تهران، ایران.
- برزگر، ماریا. (1386). معماری ورودی در خانه‌های قدیم ساری، فصل‌نامه مسکن و انقلاب اسلامی، شماره 120، صص 22-31.
- برومبِرژه، کریستین. (1370). مسکن و جامعه روستایی گیلان، ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر، موسسه مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.
- پوپ، آرتور اِبهام. (1366). معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری، نشر انزلی، ارومیه، ایران.
- پیرنیا، محمدریم. (1383). سبک‌شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معاریان، انتشارات سروش دانش، تهران، ایران.
- تبرستان. (1395). فرهنگ لغات مازندران. www.tabarestan.ir، دسترسی به سایت در بهمن ماه 1395.
- رازجویان، محمود. (1379). آسایش در پناه باد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- زارعی، محمد ابراهیم. (1379). آشنایی با معماری ایرانی، نشر فن آوران، همدان، ایران.
- زرگر، اکبر. (1378). درآمدی بر معماری روستایی ایران، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
- سرتیپی‌پور، محسن. (1388). آسیب‌شناسی معماری روستایی به سوی سکونت‌گاه مطلوب، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
- کسمایی، مرتضی. (1382). اقلیم و معماری، نشرخاک، تهران، ایران.
- کولایان، درویش علی. (1385). ساری و آغاز تمدن برنج، انتشارات شلفین، ساری، مازندران، ایران.
- کیانی، محمد یوسف. (1374). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، انتشارات سمت، تهران، ایران.

- معاریان، غلامحسین. (1371). آشنایی با معماری مسکونی ایرانی - گونه‌شناسی برون‌گرا، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

- مرکز آمار ایران. (1393). آمار روستاهای مازندران، www.amar.org.ir، دسترسی به سایت در خردادماه 1393.

- یوسف‌نیایشا، مجید. (1385). فضاهای نال و ستون‌دار در معماری مازندران، فصلنامه آبادی، سال شانزدهم، شماره 50، شماره پانزدهم دوره جدید، صص 78-87.

- Alexander, C. (1977). A pattern language: towns, buildings, construction. New York, USA: Cambridge university press.

- Cain, A., Afshar, F., Norton, J. and Daraie, M.R. (1976). Traditional cooling system in the third world. Ecologist: Journal of the post industrial age, 6(2), 60-64.

- Djalilian, S. & Tahbaz, M. (2007). Minimisation of energy consumption based on vernacular design strategies, Eindhoven. (pp. 19-22). Eindhoven, The Netherland: The 21th conference on passive and low energy architecture.

- Fathy, H. (1986). Natural energy and vernacular architecture. (W. a. Shearer, Ed.) USA: Chicago press.

- Foruzanmehr, A. (2015). People's perception of the loggia: A vernacular passive cooling system in Iranian architecture. Sustainable cities and society, 19 (2015), 61-67.

- Jacobs, J. (1961). The death and life of great American city: 9th failure of town planning. UK: Pelican books.

- Kasmaei, M. (2010). Climatic design, Zoning and guidelines for moderate climates (Guilan and Mazandaran provinces). Tehran, Iran: Building and housing research centre.

- Manzoor, S. (1989). Tradition & development: An approach to vernacular architectural patterns in Iran. Gothenburg: Chalmers Tekniska Hougskola.

- Moore, S. (1995). Under the sun: Desert style and architecture. London: Little Brown.

- Oliver, P. (1997). Encyclopedia of vernacular architecture of the world (Vol. 1). UK: Cambridge university.

- Rapoport, A. (2006). Culture, Architecture and design. Chicago, USA: Locke science publishing company.

- Rezvan, A. (2010). Regenerating semi-open spaces in Iranian house architecture. Saarbrücken: VDM Verlag Dr. Muller Aktiengesellschaft & co. KG.

- Shove, E. (2003). Comfort, cleanliness + convenience: the social organisation of normality. Oxford: Berg.

- Vellinga, M., Oliver, P. and Bridge, A. (2007). Atlas of vernacular architecture of the world. Oxon, UK: Routledge.